

اداره مرکزی جمل المبتدیان
مکتب تربیت پرور و نوین
کارهای تعلقه اداره به مدیر
جمال الدین حسین المقتبس
اویب است او شنبه ۱۸
ماه سنبله ۱۲۹۵ میلادی
پرشینبلع و شنبه تقیم میزد

سنه ۱۳۰۰ شمسی

جلد پنجم

بدون قیمت نوزدهم نام ای فرزند نوزدهم

قیمت سالانه و اجرت پست
هندستان برسد ده روپه
ایران و افغانستان سی روپه
اروپا و چین بیست روپه
مساکت عثمانی پنج روپه
مساکت روسیه و بیات
یکسوزهندستان چهار آنه
ایران یک تومان

درین روزها که علوم و فاساد و منافع ملت می بودی و می شود سلام عام و در صورت م ارضیای

(اعلانات)

جناب عمده التجار آقا عبد الواسع با جری که از چند سال است خدمت
وکالت اداره جمل المبتدیان را در برنده لجنه از راه مصارف شناسی بطریق
شهر قبول نموده بود و این ایام هم چون صد کت از بنده لجنه میباشند از
وکالت اداره نیز استعفا نموده اند اداره هزینه با کمال شکر گذاری از خدمات
سابق ایشان قبول استعفا میهنی ایله را نموده از شکر کین محترم
امید داریم که بموجب جوماتیک این وقت در وقت ایشان لا واصل
مانده پر و ازانند

(سیاسی)

این هفته موضوع بحث سیاستون زیاد در باره اقدام دولت روس
در صلح عمومیست یعنی از دولت روس هرگز این کار نبوده
اقدام باین عمل بزرگ که مصدر صلح عمومی باشد نباید از چند سال پیشتر
مجموعه منبر بدین موضوع بحث می نمودند که اگر کافران شد و تمام
دولت صد استعجاب شوند که از مصارف جنگ گاسته تبرها و صرف نماید بنگونه
این شکل از چند سال باین طرف موضوع بحث یعنی از سیاستون دولت
فلسفه هم شده بود یعنی از سیاستون این عمل را اینکه تصور میکردی
مصدر صلح و رقابت اول شد کمال تصور می نمودند باری اقدام
امپراطور عالیله روس درین عمل بزرگ در نظر سیاستون خصلی است
و در صلح خزانان به عبارت است دولت انگلیس نیز درین مسئله بارها
شکست وارد و حسنی خیال دولت روس را پسندید و در اجرای آنست
بعضی میگویند که البته زیر این کاسه نیم کاسه هم میباشند باین معنی که

روس انگلیس بپاید بجهت لشکر و اسلحه دست در ملک خود میهند
اینگد قناعت را پیش گرفته مصارف جنگی آنرا که مانع بسیاری از رقابت
انهاست میل دارند که نمیخواهند ولی چون رقبا بزرگ دارند باین تدبیر
دست بپای رقبا خود را ببنده و آسوده گنج بجهای خود را بجهت
که دولتین انگلیس و روس از زیاد مصارف سرشته و کرب منتفع شده
دولت سائره مثل دولت فرانس و آلمان ایتالیا و ستریا و غیره نفع میبردند
ولی در رقابتی با دولتین روس انگلیس کار شرکت داشته از همین است
که بعضی از دولت های امپراطور روس در تحریف مصارف جنگ و عمدت
ساقطن قوتن و اسلحه بیه قبول پیونقه چنانچه در اول و بعد مخالفت
دولت روس از جنگ فانت ظاهر میشود امپراطور روس داشت تمام
اسلحه دولت سواره تا اگر تمام دولت نظام اتفاق نماید کابگوس ساخته
بجهت اسلحه و قوتن و مصارف جنگ خود را میقدار دهند و سواره و پیاده
اگر چه سیاستون انگلستان بجای ما را فایز نمایند و انهارا شکستکی و تقیم میکنند
که امپراطور روس بجهت اقدام درین عمل کرده است و درین رضایت خود را
میسنیزند و سیاستون دیگر میگویند که البته قبل از اقدام درین امر
دولت روس با فرانسه شوره کرده است گفتند که با دولت آلمان شوره
شده باشد ولی مصفا دولت انگلیس قبل از اقدام کار درانی طرف شوره
این مسئله بوده است باین کار درانی نفع دولتین انگلیس و روس نقصان
آلمان و فانت و تمام دولت فرنگست قیمتت که دولت عثمانی و ایران هم
درین معادله شرکت نکرده اند که در رقابتی با آنها شریک بوده و بجای اینکه
برده و جبهه نقصان دیده اند بخیال انهایت شوره است که این خیال عالی سیک

صورت پرد

(تذکره افتخار چه)

بهم برسیع الشانی از لندن امیرت امیرالمرکز مالک ریش و ریش و بیست و چهار
 اکتب با چاری تمام سفای دول عظام که در تبریک موجود بود و از متوسطه
 ناریه یادداشتی این حضور فرستاده که بجا داری امنیت محم نمودن معاصر
 که یادوست که تمام سلاطین عظام را در وی می و کوشش نمایند و از تفریح
 بسیار نیکوست که تمام دول عظام کا کوشش قانم نمایند که در دو سال انجام گیرد
 آن شود و بخت شود و این راهی بسیار حکم در بجا داری امنیت قیام صلح و
 و این وسیله مانع تریقات قشون از یاد اسلام که چهاره طوطا خاطر دول عظام
 و تمام مل را بیکدیگر منظر نموده است خواهد شد
 ایضا بجا داری موسوم - (در فرقی دور و در مل کا میسکه و سفندی مید کرده
 در عرصه و قده شکست سوا می و افغان جبار تمام عبران و مجلات آنرا کرده
 بهم برسیع الشانی از لندن سیاسیون فرنگ مجتهد امیرالمرور روس را بر با
 کم نمودن سلم و قشون متشخصه کرده و سعی از امیرالمرور روس این راهی را بر میانه
 تمام اخبارات فرنگ درین خیال امیرالمرور روس را تحمید و تعریف نمایند میگویند
 سخن آسان است نظام کم کردن و توار است و در نظام این امر وقت می زیاد
 پیش خواهد آمد
 اخبار مل لندن کان میکنند که مل پیش نمودن این تجویز البته دولت
 روس آلمان شور نموده غالباً با دولت فرانسه شور کرده است
 اخبارات آلمان همین را نیز که تمام دول اتفاقاً کاکسوس آمل و تبریک
 کخی قشون اسلار پسند و استقبال نمایند از در دنیا و این ساهه شکلات بزرگیش
 خواهد آمد
 اخبارات فرنگ روسی آلمان تجار و امیرالمرور روس را با طوطا پرتکا تحمید نمایند
 اخبارات آستریا هم خیالات امیرالمرور روس را تحمید میکنند
 اخبارات فرانسه میگویند و قخی این تجویز قابل تحمید است خواهد شد که صدیه
 و العیسی و در لورین ما از آلمان گرفته بفرانس بازدهند -
 اخبارات آستریا میگویند انجام این عمل چندان آسان نیست
 قشون همه جل در میان با متصرف شده قشون سوادان مقابل کرده اند
 سوسات قشون را در آن جبهه میبندند بعد از آن خبر رسیده که تمام فرج با
 فرموده و در مل (رویان) شد پیش خبر اردو بهشت میں طوطا قانم است
 بهم برسیع الشانی از لندن امیرالمرور روس این با تحمید بسیار بگیش

نموده اند مستقیم می گویند که این سلاطین عظام را در تبریک
 دولت فرنگی از این خیال بر است که قانم بود دولت روس را بر می
 اگر آن دولت در آن مشغولت کرده است
 لهذا قانم در قبول نمودن این تجویز تسلیم خواهد کرد امیرالمرور روس خیال
 بشنید میباید کرده اند
 قشون سوادان در کوری معلوم میزند و در طوفان روزی این پیش
 قندی قشون معاصر است
 بموجب تکرار و تریاچکن دولت انگلیس از دولت روسین مطالبه تفریق در با
 خود را برنج منعی نموده است چندانکه از پس او آلمان مناسبت بر آملکن کین و
 و انگور را با بار نموده بود بعد از آن کوشش در قشون شکست دولت انگلیس
 مطالبه در آنها نیک در آن ایاره نامر بود یعنی معلوم است که دولت روسین از
 محکمیری کالیف دولت انگلیس قبول خواهد کرد
 از همه آقا اعتبار به سیم تکرار گفته اند اما تا به هم متده شده از بر تانکا
 نیز در کمال سرعت هم تکرار می کشند
 و از او هم برسیع الشانی از لندن می گویند که تهم بزرگی در شتمات و قشون در
 متده (درای فرانس) شده بود و در قنده دولت محوب بود تا متده او بر
 شود در قنده خانه با متفرغ خود کوشی کرده است و در قنده نیکو متده کردن
 متونی بود استعا از نو کوری داده اند
 به سیم کوزار و الوی من باب الحاق در سیمکا من با قرائن شیا و سید
 انداز شده است
 سیزدهم برسیع الشانی و ام کوک کک (در تبریک و خیانت در ای فرانس
 نموده است ملی و ام شوشن ختمه کوشش نمایند که در افکار و از او تجویز
 ثانی نمایند بجهت ای دار الشوری فرستاده و فرقه شده اند پس قانم بدم
 جسم درای فرانس می باشند و برخی بجهت او قانم از این معانی می فرستند
 اعلان امیرالمرور روس این با سکر متوق و است
 چهاردهم برسیع الشانی تاقی بی در پی بیفر آلمان و متده و کوشکای
 سوادان قیالات سستایز اموش نموده است سنی میگویند تجمل بیاید و تین
 انگلیس و آلمان خواهد شد
 پانزدهم برسیع الشانی این افواه قوت که تها و کوشکای و دولت انگلیس و آلمان
 من با معاملات معر خواهد بود که حکمت تمام قانم از خبر شسته شده دولت انگلیس
 هم در خبری را می گویند بر انگلیس ان قرائن خواهد داشت

(اخبارات و عمل)

من بابت مکتبی هندی در دره خیبر از وزیر هندی دستور العمل گرفته است
 هندی در آن خود و تامل میسازد
 اخبار جناب و مصلحت که در اسلامبول طبع میشود سابق حکومت هندی از دول
 هندی منع کرده بود و حجتاً اجازه آمدن هندی باقی ماند
 لیکن در وقت حمله هندیان فرمای هندی که انشاء مجلس بن
 دشمن فدی میبار خانه های زمانه هندی که زود لار و دشمن مدد کوی
 خواهند فرمود
 میگویند در کانپور شدت باران باعث شد ابی مملات شده و فرست
 که بزرگت خسیف نقضانی برساند
 بنگلات برسد سابق برین اجازه بود که بنگلات از مناطق اجازه داران
 حق خود کار و رانی خواهد کرد و اخبار جات بنگل موقوف خواهد گردید
 در مان بنگلور تحت حاکم نموده اند در اجبه ای قوانین طامون ولی
 حکومت در اجبه ای قانون کال می را دارد
 حکومت در اس بیست تعلیم اقوام (سوپل) انتظام خصوصی با یکی کرده است
 و فانی مسلمانان
 بیست هتم ماه گذشته در یکی از ایالت های چنده قلابه زمین اریق واقع شد
 گویا در وقت هزار روز در نقضانی رسیده است
 یکی از اخبار ریاست خود را در کمر طامونی ساخته از مردم داخل میگرداند و یک
 سید به جسد او شش ماه قید داد
 خواه کلیست که در کراس نیسه مثل شله و میسای هر سال افتتاح با این
 تصور خواهد شد
 حساب نموده اند که سال گذشته تجارت مویر جناب با این کشور چهار
 لیون یکصد هشتاد و نه بوده این تجارت مویر که در باجویر لیون و
 بنفقه هزار و پینستارت با کابل در سال طت بوده است
 میگویند که گنجان بگو صاحب را دستم که در آن فرمای بدیده هندی
 نیم باشی حضور خود خواهند فرستاد
 برن حرف آمدت طامون در پوز است با اجبه ای قوانین طامون
 علیه سخن کاظم نموده اند
 حکومت بسنی مال پوز را از او ای متعارف و رئیس قهری ساق
 زمین نقضانی خود پوز است

دور او در کل خانه آتشی چیده که در سیرق واقع شده و دست هزار و پینست
 نقضانی رسیده است
 از اخبارات در اس معلوم میشود اسناک باران است در روز خوف قو
 زیاد میشود مستوز: مالی سوید میسلی و در اس از نقل رسال گذشته آموده شده اند
 خداوند رحم کند
 حضور لار و الکن فندیان فرمای هندی وستان در عشد دوم زمبر اراده
 که در ش در ملک برسد و از زود به ایشان هم سمیت خواهند کرد و رشیب
 ملک سیام و چانگا و نرا میسند خواهند ملاحظه نمود
 از جانب خان نوکی و اهل باجویر و نواب ویر و کای خصوصی معین شده
 که در جسد و لار پوز (مردین) آمده و رفع تنازعات خویش را کما فی الجاه
 میگویند از روی مردم شماری جدید آبدی شکل سی و صد هزار نفر است
 من باب قتل آقا با شمش شاه در پوز چنده رساله با داده رسیده چون داد
 از نگارنده آنها واقف نیست در نگارش آن معذور است بی اگر صحیح
 و کین اداره جناب حده التجار آقا میرزا محسن و صاحب کاشانه اداره را در
 نگارش آن بیسبب عذری نیست
 اهل ناسکله عهده آتشی بگوست پیش نموده اند که قانون اسله بار و از
 چه رعایا ازین راه محسور اند و راه زمان از حد خود تجاوز نمایند
 ایامیکه حکومت بسنی در بسلی رفته بود مردم بازار را با بسته شکایت از این
 طامون نموده بودند که نهایت سخن میشود که حکومت هم مجبور است که
 و جماعه ای با دگارسینه احمد خان یکصد و پنجاه هزار روپیه رسیده است
 که با بسنی رقم های کلی علاوه بر آنست
 اقوال است که حکومت هندی در خیبر را چهاره بدست خود خواهد گرفت
 و در لندی قتل همیشه قتون ساغلی خواهد کرد و قلمه بسیار یکی در کوه
 در بسنی آن هستند و بهشت قدرت باشد تعمیر خواهند نمود و چهار طرف
 حفاظت خواهند کرد و معلوم است که این قلمه را قوام سرحد ضعیف اثر خواهد
 بلکه بر افغانان میسند قوت خواهد یافت حال باید که ایسه افغانان
 من باب تیسر این قلمه حکومت بسیار خواهد کرد و البته ملاحظه خصایص
 این قلمه هم خواهد شد هندی ضعیف زیر بار است
 جنگ اختلاف فغان در آن روزا بیهم فرستد کما فی الجاه حکومت بسنی
 سیاه حکومت هندی در پر حال سماه شده است بسنی در فرار و قاتل
 تسلیم مودان یکدیگر شود و چنانچه بسنی از جمعی من را هم یکی بگردانند

آنک که بکش و خودش را باور بگردد گشته است و ملا و دولت آنچه
 قهر و فشار در پهنه میشود از بخت تا فون طاعون است و در مردم کند
 زید و قله پهنه و کار و والی بیست محققین من باب این قله در هشتم
 و سیزدهم همان فرشته

تا ۲۷ ماه و سبب شادی و عیب و سیئه فرما خدی می بندد خواهد شد
 تهیه و تدارک کافی می بینند
 در مدالت پریشانش نغز شاه گذشته است که قتل مرحوم داشته
 قاتل بی قصه راست و خود آن مرحوم اسباب قتل خود را فراموش کرده بود
 این در با آنچه وقایع حکایان نوشته اند در دست نمی آید همین قتل
 شده که در اینجا هم نام کاسه هم هست
(اخبارات خارجه)

از اخبارات جدید لندن و امریکا ظاهر میشود که پایه اتحاد دو لیتون انگلیس
 و امریکا خیلی محکم نهاده شده است دولت انگلیس رئیس جمهوری امریکا
 اعلان داده که قتل جنک روح امریکا در میان خانه فوجی انگلیس در کالیفرنیا
 میسر نشد و اسلحه جنگی که از امریکا اجازه نگذاشته بودند
 بموجب قایم نگار انگلیس از پرتغال ارسال خوف قتل عظیم در مالکیت در دست
 آتیس با اسباب و رئیس اعظم بر روی یک دختر وارد لندن شده که با مقام
 آسبان بکنور علیا حضرت ملک انگلستان خواهد رسید بگویند صبیحه خود را در
 لندن تعلیم خواهد داد

در شنگهای چین یک اخبار که میرود در و نامه نگار و تمام عملیات آن
 عوارض آن زمان چین اشاعت نموده اند
 در بلوای هند فاند روس چهار صد نفر گرفتار شده اند تا بر سر حدالت
 گناهی ثبوت او منزهند

امپراتور آلمان سنگ تراشش خصوصی را در هند مرده اند که جسدش
 بیمارک را بسیار زیاد آلمان به آله بریا و کار او باقی ماند ملت خویش
 دارند که معارف این یادگار را به بنده علی حضرت امپراتور سیرل فرموده اند
 آلمانی آلمان از قبضه صوبه که در چین نهایت مسرورند که در شرق تمام
 به دست آسانده بنده جنگی هم حاصل نموده اند میگویند در صوبه مذکور
 زغال و غیره بسیار است و هوای بسیار مستعدی دارد آب که بهای کوچکی تمام
 چین شکر است

یکی از خبرهای اخبارات که وارد سیلان شده از مرض طاعون است

گردیده است این روایات خوف مزایط طاعون در سیلان سرد
 حکام بلاد خلیج فارس خیلی باید هوشیار باشند بوسه سر سار سید با وجود کم
 از یاد طاعون در بسیاری از شهرهای هند و سیان نمودار شده در حکام
 کمال سختی را باید نمایند که سد باب دخول این مرض نمیکنند و در پس از
 سرت این مرض دفع و دفعش بر ما و شورا است از روزگاری که بیست هزار
 توان خسیج سد سرت این مرض تا نیم سینه است از آنکه در ابناء و قاصد
 بار و خنده این سرت حکومت هند این همه اسباب این همه معارفی که
 کرده و میکند طاعون مرض را می تواند بگریزد تا کنون اندک در بیست طبعوت
 حکومت هند فرج سد باب طاعون نموده است خدی می نکرده اگر این مرض
 در داخل فارس برسد برده شد ایران هم باید ترسید و این احتیاطات
 مانع و دفعش بسیار شکست حکومت طبع فارس خیلی باید نگران باشد و

درمان با دباخت صناحتی سپیده را لازم است در خدمت بکار و از آنکه
 وقایع مجاری جبل المین خویش و ایم که در باب احتیاطات فرطه و طبع
 فارس اگر نصی میسند فری با واره اطلاع و همین این خدمت سبوح
 ملاحظاتی شخصی با یاد بخار گزارد

میگویند تولد ششوی امپراتور روس در تمام روی زمین منظر است با رئیس
 تمام متولین دنیا اسپه امپراتور روس و گفت
 والا حضرت خد بر صعبه این پارس نموده و ایند زنده از اینجا بر لنگ
 خواهند رفت

بوجب اخبارات بر لنگ اسپه امپراتور آلمان را و در آنکه بر فقه متون پیاده
 خوب میسند ایند
 پارلمان انگلستان منظور نموده است که در عرصه سه سال بیست میلیون پونده
 در از یاد تو و محبتی صرف کند

پرنس فردی زنده امپراتور آلمان در مالکیت روسیه نیز و با حاکم متون است
 در اسکول با نهایت اغاز از ایشان نیز برائی شده است
 سوا از این خبیه بطریق مرقه میرسد که معسکای شود و این جنگ نیز
 از جانب گذشته جنگ خواهد کرد و این خبیه تمام این جنگ گشتی که پیش
 شود درین جنگ خواهد نمود

یکی از اخبارات جنگی روسیه در پانصد نفر از جنگی که از پرتغال
 سرد است روانه چند آرتیله شده است
 این وقت در بندار تهر متون تمام سلاح روس که بهر دو طرف است

(روزانه اخبار و بی)

روزانه اخبار مطبوعه و بی یکی از اخبارات معتبره اسلامیه میباشد با اینکه هنوز
 در طراز اطلاعیه گمانی نمی خورد و هنوز هم سال و شش قدم شده هم سر و هم تر از اول بهتر
 و نیک تر از اخبارات بیست سی ساله میباشد معاین عالی و عنوانات معتبره
 این گرامی روزنامه نشر کرده اند است بجهت کسب معلومات و برقریر ویست
 با و اسلامیه نیزه انموده است چنانچه تمام اخبار الموده صحرانوشته بود و در حقیقت
 اخبارات انگلیسی وین روزانه اخبارتعمیرت که بهتر از آن تصور نیست در اخبارات
 بوی همسایع اخباری بزودی وی اخبارات را شاعت مینماید پر است از عنوانات
 و مقالات اسلامیه که معتبره است کمال اسلامیان با کافذ خوب و خراب و طبع
 صاف برای شنبه همه روز و طبع میرسد قیمت سالانه آن با اجرت پوست و بار
 روپیه و بدون اجرت پوست هشت روپیه است این همه مستقات از تمام اخبار
 روزانه هندوستان قیامت کشته است امیدواریم که این گرامی روزانه که در
 قسبل زینات شایان کند

(ترجمه از روزانه اخبار و بی)
 (شخص مبینار)

و بیست منتهی گزشت که یکی از اخبارات لندن است و حکمت علی دولت انگلیس
 نسبت بخوار و بیست کرده میگوید که اقتدار روس در ایران روز بروز زیاد
 میشود و تا اینکه حکومت روس مانع از تسوخی دولت انگلیس در ایران میباشد چنان
 ضمن اخبار مذکور این پیش گویی را بنماید که مقام سرب دولت ایران بر بقدر مینماید
 که در روز خوار خوار افتند و دیگر نیزه بجهت از جنگ این لقب میاری را دولت روس
 روی دولت عثمانی نهاد است و خبر مذکور آنست که اول بیار دولت عثمانی و کا
 چین بود که ایران خواهد شد چه که آخرالذو روزی مقصد رتبه روس خواهد
 شد و مثل مردمان میاری بخوار خواهد گردید در روزانه اخبار میگوید که من بکمال تاسف
 درین مجال بنماید که درین گفت میمانیم و آری نسبت بسیاری به دولت چین دادون بنام
 بیک ربه درست باشد چه بعد از جنگ را چون تمام رازهای پوشیده چینی گمان
 و اشکار کرده و از جنگ ناخون هم آنچه واقعات پیش آمده وی ایسهای خود گری
 خود کشی چین را با همه میدارد و اگر دولت چین آنچه سال این حالت عالی
 باقی ماند دول برید روس نسیه انس آلمان انگلیس این سلطنت قریه و مملکت بیست
 قطع قطع تقسیم خواهند کرد باقی ماند ایران و ترکی نسبت باین دو دولت لفظ
 میسار اطلاق کردن لفظ خص است با ایران تاکنون دولت همیشه را به هم گزین
 و خلی نیست حالت تا ایران نهایت خوب است بعد از دردت قوتون تسلیم

نیز موجود دارد و حکایت ایران روز بروز در از زیاد است پیدا و ایران روز
 افزون در تری است و ناخون مسیح مرقی پیش نیامده که گفت و وقت
 سلطنت ایران را مدبر رسید باشد اگر ایران باطلی و دومی خود را بیک واتی بگوید
 یا بشوره آن اقدام در ملی نماید این امر ثابت میشود که اقتدار آن سلطنت معتبر است
 کمال دولت ایران زودتر زان نیست که اخبارات انگلیسی شنبه آن امر منوع بحث دارند
 که اقتدار روس در ایران زیاد شود ولی تا حال مدتی چهار شنبه است که کلمات روس ایران
 برین قاعده که امضای ایران پیش چون تسوخی دولت انگلیس اقتدار روس در ایران پیش
 صدر است ایران بشوره روس نسبت با انگلیس باید راه میرود و این اخبارات بیست
 از روز سینه لا بطریق مختلف عنوانات میورند اما مستند در نقطه نسبت به دولت شمار
 و حکمت عملی اخبارات انگلیسی شده است اما نسبت دولت عثمانی لفظ میاری اطلاق کردن
 آفتاب را بکمال آذ و نمودن است اگر اخبارات انگلیسی بیکه نسبت دور کرده بگوید
 خود را اول و در گذشته و در همه سال واقعات کمال عثمانی را در نظر گرفته و ما میگویم
 پیش آمده و لحاظ نمایند و کار و ایامی دولت عثمانی را از نظر مینماید سلطون خواهند
 که این چهار قدر توانا و صحیح القواست و رسادات را از جنگ بمان و رسالت کبریت
 من لیس دولت عثمانی در مقابل این دولت معتبره کدام یقین افزوده که کرده
 الحق مدافین بر قوی این شخص میبارد و ایمنان و آری که جواب تک تمام دول با یکی
 من با بیایالت کبریت و بلهید یونان روس آنچه وقت داشت بخرج داد و آخر از اظهار
 داشت و دولت عثمانی را خوف داد که اگر والی گری کبریت بلهید یونان داد و نه
 دولت یونان را اجازه خواهیم داد که بقوت شیشه والی گری کبریت را حاصل کند ولی دولت
 عثمانی از بجای خود بخینید و جوابات ترکی روس را بترکی داد و مسائل از همه تمام سلطین
 برین گفت سلطان متفق بودند که در ایامی سخت نبودند که تمام اول بهارات جنگی خود را
 بخوار وارد اول جمع نمودند با اینکه ششاد و فروز بهارات جنگی موجود بود مدعی از آستانه
 و قریه پیش قوی نکرد آخر از ایامی که در اول جماد و من اول جماد و من اول جماد و من
 نشد هیچ اثری بر این ماکه پیشه آهرا مندرج سلطانی سپه نایب بهشتال که اخبارات انگلیسی درین
 از لفظ اطلاق میبارد دولت عثمانی که با اخبارت گزشت که این امر لازم است که در روز و اول
 بنام میبارد و در کتب بحال آموزون تر از اسپانیا و استیا که پیشه در یک بهشت که با کتب
 جان کندن را کرده است و پیشه طریقه که اگر که عضوی از وی برید و در قضای او را
 مسلح کنند اسلام که دولت ایتالیا که بزرگترین دول او و با مسویب
 به بجهت اطلاق لفظ میاری بهتر است که نسبت بای یک نشست
 مردمان وحشی پیش از بد شده و مت خود را شناخت و از اینست اندر
 ملک خود عا فراده و سالها دفع خصای خود را نتوان کرده

مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی در شهر عنوان هم

هندی - جناب آقای اگر شما از عمل موقوفات ایران میان میفرمودید بمنون بیستم
ایرانی - عمل موقوفات رایج در ایران مخصوص است علی که در شهر و بلد علماء و اخلا و در
در وقت موقوفات میکنند
هندی - درست فهمید مقصود جناب این است که دولت ملت هر دو شرکت
در عمل موقوفات دارند

ایرانی - خیر خیر آنچه موقوفات در ایران است نیز موقوفات می بیند و باقی موقوفات
بلا و اصداد در دست علماء است لیکن مخصوص موقوفات بیاید
هندی - وزیر مخصوص پیدا کردن می کند آید عرض سال حساب داخل موقوفات
موقوفات بلا در از استولی با علماء میگیرد و نظر در آن می کند که بقاعده و در بعضی
وقت مصارف شده یا نشده است

ایرانی - آری مال آنکه کار و اینها از وزیر موقوفات سمع شده
هندی - پس به لزوم دارد وزیر مخصوص از برای موقوفات همین کنند که صورتی
که رسیدگی با موقوفات بخند

ایرانی - عین زین برادر و در حکای اراکان واجبند لازم دارد که اگر آن اراکان
واجبند بعضی نباشد همان نسبت آن در نگاه حاضر و ناقص است در دستگاه
حکومت هم نیز موقوفات لازم است خواه کاری بکنند یا نکنند اگر آب برنجی آید
آنچه برمی آید

هندی - بفرمایید به بیم که موقوفات ارجح با کس متبرک که در دست است
یا نیست است

ایرانی - آنچه رایج بر موقوفات در موقوفات است امثال آن در واقع العالمین در اعیان
زیند آنچه متعلق بقصد مبارک حضرت مکتوبه در شهر قم و بقصد متبرک حضرت العظیم
الحسینت و زجاج طران تمام آنگاه که از آن در دست است و دست مکتوبه است
عظمتی ندارند

هندی - بقیه موقوفات در دست کیست

ایرانی - هم که کدام که متولی متوسلی دارد و از همه که اولیت بر می آید بیست
همان متولی متوسلست هر کدام که متولی متوسلی دارد و متولی قابل نیست از همه
کاری تواند بر آید و صرف در اول علماء اطلاع است

هندی - درست فهمیدم اگر متولی متوسلی با موقوفات از وی اقرع خواهد شد
ایرانی - بلی هر چه که در موقوفات متوسلی متولی متوسل

اقرع میکند
هندی - اما صاحب عمل است باشد یعنی دارش وقت و وقت به خود را باطل کرده آید
ایرانی - خیر دارش شمی وقت از این وقت نیست که در یکسوم این امر شود مقصود از
دارش دارش وقت است نه دارش وقت یعنی مطلق است پس در وقت روز
بی اینگونه کار با میباشند و کار ارجح است که متولی آید و با پار شده باید است
وقت بار و دلی کار خود رود

هندی - این در صورتی ممکن است که متولی حیاتی در وقت کرده یا تصدیه از او
سر زده باشد
ایرانی - لازم نیست که مقصود بر او ثابت اطلاق شود یعنی از طلا به اطلاق شده متولی را
از وقت عمل کرده دیگری را که از شرکاء ایشان باشد نسبت خایسته نمود یا خود آنها را
خواهند کرد و امور جدید را در کار خواهند آورد

هندی - علماء بزرگ این طلا میسج بگویند و حاجت نمی بینند
ایرانی - کار را بر آنها شبیه کرده آنها هم ساکت خواهند شد

هندی - بفرمایید به ام که موقوفات را چه بر موقوفات نامش مناسبت بر چه گویند
ایرانی - در کمال انظار و امتساق است بر موقوفات در موقوفات دولت علیه متولی
باشی همین نموده و متولی باشی هم کمال است اهتمام رسیدگی امور آن متعلقه باستان
ملک پاسبان بنیاید

هندی - آیا در آستان مبارک چه چیزکی زیادت میشود یا نه
ایرانی - اینچنین شنیده ام متسی نظام و اهتمام در کارهای متعلقه با آن آستان مبارک
میشود که راه خیانت دست طلب در آن کلی شده و دست سستی که یک بر لبه آستان
از آن وقت آن بقعه مطهره از میان نیند و بلکه بسیار میشود که متولی باشی و چه بر آستان
هفتصدی خود را هم باستان مبارک پیشکش و تقدیم میکنند و متساج شخصی خود را
آنکه متعلق خود میسند که کسی را از راه وقت نیست که شمع نیم سرفه آن آستان
مبارک را هم بیرون بکنند و لیکن یک راه خیانت هست که عمل سلبی که وقت
از آن متسائل وقتان آستان مبارک از آن تلف و ضایع میشود

هندی - بفرمایید که آن را چه است

ایرانی - درست که هر سال یکبار اهلک موقوفه را چه بر موقوفه معبرین بر این عمل
من بفرمودم جاری میدهند و متساج بر اینا جاری میشود و لیکن بنده نیست
حکم متعلق که شکی با متوسلیان آستان مبارک با هم پیش آمده که گویند
اهلک موقوفه بر مردم خارج جاری داده شود در رابطه با این خود با تقسیم آن
اهلک را نمود و معاهد میکنند و در وقت هیچ روی دست هم هستند و زیاده

ایرانی - درست که هر سال یکبار اهلک موقوفه را چه بر موقوفه معبرین بر این عمل
من بفرمودم جاری میدهند و متساج بر اینا جاری میشود و لیکن بنده نیست
حکم متعلق که شکی با متوسلیان آستان مبارک با هم پیش آمده که گویند
اهلک موقوفه بر مردم خارج جاری داده شود در رابطه با این خود با تقسیم آن
اهلک را نمود و معاهد میکنند و در وقت هیچ روی دست هم هستند و زیاده

ایرانی - درست که هر سال یکبار اهلک موقوفه را چه بر موقوفه معبرین بر این عمل
من بفرمودم جاری میدهند و متساج بر اینا جاری میشود و لیکن بنده نیست
حکم متعلق که شکی با متوسلیان آستان مبارک با هم پیش آمده که گویند
اهلک موقوفه بر مردم خارج جاری داده شود در رابطه با این خود با تقسیم آن
اهلک را نمود و معاهد میکنند و در وقت هیچ روی دست هم هستند و زیاده

نمیکنند و تجار و مردمان شهر هم از خوف آنها حسرت قدرت بریزاد کردن و
اجاره ندارند که روی دست آنها رفته و با جاره راز یاد کنند و بگریزند این نوع اجلاک
موقوفه را بزرگان و رؤسا و استانه بصیحت و صلح نازل جاره میکنند و ازین مگر
تقصاتی عظیم عاید استانی بسیار میشود و در کینه رؤسا و بزرگان استانی میرود
و متولی باشی هم نمی تواند رفع و دفع این کار نماید

هندی - جناب عالی اگر مشکل میفرمایید و میگویند که متولی باشی نیست و فریغ این
کار را بکنند چه اینست و مال آنکه سهولت نکند که فریغ این کار شود اگر متولی
باشی از طرف استانه تحصیل و وصول آندی موقوفات کند و دست یگری میجوید
بجای رفع و دفع این عیب خیانت خواهد شد

ایرانی - البته متولی باشی در خیال خواهد بود اگر کار از
هندی - کی بگذارد

ایرانی بیگان استانی مبارک و مواجب فرمای حضرت که مال حضرت را تلف
نمیکنند و یاد میدهند

هندی - فکر را چه قدرت و اختیار است که بتوانند برخلاف رای متولی باشی
ایرانی - اگر متولی باشی بخواند و افضل استانی مقدسه را یاد کند در صورتی که میل خود
بزرگان و نام برادرگان استانی باشد اجماع نموده و با لیاقت و کافه ذراتی عیانت
متولی باشی را عمل خواهند کرد

هندی بخوبی می دانم که فریغ و افضل استانی مبارک مساویست با احدی
بردیگری انستونی دارد

ایرانی - باین حالت که عرض شد که مال حضرت وصول نمی شود باز در فریغ
زاید میباشد

هندی - شاید شما اطلاع صحیح نداشته باشید و فعل از فریغ کمتر است و در
دو سه سال قبل از یکی از افاضی سانس ندیم که میگفت متوفیها بنام استانی
مبارک و بزرگانیک شاهنشاهی استقراض نموده و استانی را بدون فریغها
نموده اند

ایرانی - حقیر اطلاع ندارم

هندی - آیا هیچ قانونی در استانی مبارک هست که موجب آن قانون باید
مخارج شود و اگر یک مال از اجلاک موقوفه استانی چیزی وصول نشود در حدی
چه خواهد شد کرد

ایرانی - این مسئله بحدیست و فکرهای حضرت است از مواجب خود را که
تماما باید ایشان برسد و اگر از فعل کم شود برای تدارک آن تخفیف را پیشتر

زوار وقت و مسافرین می بینند و از خوراک خیرای رزوا میکنند
هندی - موقوفات طهران و قم با قاعده و موجب دستور العمل واقع میشود

ایرانی - حقیر اطلاع درست ندارم
هندی و در وقت قبل ممنوع شد که در باب موقوفات در رسد خان جردی
در میان علماء طهران مناقشه و اختلاف بود معلوم نیست که آنسکی مالکند
و در تصرف کدام کس آمد

ایرانی - هر کس که قوی تر و دست ریش سلطان زیاد تر بود
هندی - علت نزاع چه بود

ایرانی - طلب نفع
هندی - موقوفات متعلقه بحضرت عبد العظیم چه گونه است

ایرانی - بیسج موقوفات در ایران منظمه از موقوفات حضرت امام نایب
و محال است عرض شد

هندی - موقوفات مصدوم چه گونه است
ایرانی - آنچه در موقوفات حضرت عبد العظیم عرض کردم همان جواب این سؤال است

هندی - موقوفات سلاطین صفویه در امهتبان بر چه مبنای است
ایرانی - از زمان نادر شاه افشار عمل موقوفات صفویه بر یکم خورده یعنی آنگ
با فرخنده با برقی جسته نمانده و ایران گردید

هندی - موقوفات در رسد صدر در امهتبان بر چه قسمت
ایرانی - اطلاع ندارم

هندی موقوفات در رسد در یکم که یکی از انزان جلیله و دوران صفویه بوده
بر چه حالت است

ایرانی - اما موقوفات را تماماً مالک شده اند اما در کسب محال است باه و غراب
افتاد و صفی اوقات نائب الحکومه امهتبان تیریم میباشد

هندی - منطبقه موقوفات عمال ایران بودند با حکام شرع
ایرانی - میگویند حکام شرع

هندی - حاصل دخول موقوفات اینها اعمال باقی و بدست تصرف حکام
چه قدر میشود

ایرانی - حقیر خبری مطلع نیستم از ابالی امهتبان شنیدم که میگفتند سالی شش هفت
هزار تومان است

هندی این و به قبلی مستحق میگردد میشود باز
ایرانی - نیز بجز بی بی که روی داده و صرف میشود

پستی - مصرف تازه چیست که در آن منسوخ شود

ایرانی - فدای شاهشوم درازنده سناست لباس کرباس و خوراک آنها
بنا بر جو شغل آنها تحصیل علم و عبادت خداوند یگانه و پدایت دار شاهنق
و عوام برهمنی بوده امروزه لباس شان از پارچه های لطیفه نگی و اسباب سلاسه
و برس فشنگی و کلمات طرح فرنگ و انواع الطهر و شکر بلندیه و نوکرهای بیچاره
متعد است در انصورت هر چه در دخل به دست آمده کفایت این منسوخ را میکند
چسکو زینده و مصرف وقت اگر چه چسکو هم باشد رسانده

منقول از روزنامه شریفه
احتیاج مطبوعه تبریز

کمان دارم که معالجات احتیاج که عاری از همه گونه نوازش است و در دهانها
چون سنگ در قلوب چون صحنه صفا و اثری در دهر و شری بخشه زیر اسباب
در از قسام این حکایات و انواع اتفاقات را دیده و خوانده ایم . اتفاق
مینی چه . اتفاق چه تر دارد روزنامه چه بسکویه است وطن چیست
نمندان کیست جو کف قدیم و نمان کمنه است همه را خوانده
از بر میداغیم فرما اگر فدای کرده و بگفته های روزنامه عمل نماییم و اتفاق کنیم
مثلا یک کارخانه شمع ریزی و یا کارخانه سازی و یا صابون ریزی بگفت خود
بیاوریم و ازین سه فقره قنای خلاصی بایم قریب آوقت مردان نقلی شناع و
دو اش بعب کافه سازد آقا قهرمان صابون پرا ز غریب زمین کلان رسد
و یا او قاشق تلخ باشد زیرا که ما مال آنهاستیم از اتفاق ما خوششان نیاید قنای
چنین گفته و کسالت چنان فرموده ولی این فرمایشات جناب عالی مستخرج
که حال آنهاستیم اگر حال نبودیم و بگفته های احتیاج عمل نمیکردیم کوچه های ما
کسالت نداشت وطفال مادر شایع سفالت و طمان نبودند و جوانان ما
و غربت سرگردان نمی ماندند اگر بگفته او گوش نمیدادیم که کوچه های این چنین
کلان حال آمده باشند که چه عرض کردم (عالم که میس شیندن و دیده منده هم
بسکویم) میدانی تکلیف چیست یا خبر اجمالت که باره گفته ام و باره گیرسکا
و چنانچه روزنامه مبارک اطلاع در صحیفه گرامی نامه خودشان دری از منسوخ
اتفاق بروی ایرایشان کرده و یا در روزنامه برشته تحریر میکنند اگر قنای
بنود آهین از سنگ سیرونی آید اگر اتفاق بود و طلا و فخره نبود تا حال راهبانه
و قد انسان جمدل بود و این اتفاق هم بی وجود دستگیر نمیداد باعث قنای
اول سلطان دریم وطن ستمت که از این ستمت وجود چه کار با بر این چه کلهها
کتابی پس سری که غم وطن در او نیست آسکو کوی چون کمان جهالت است و

ولی که ازین دولت است غایبست انزل نشاء به کرامت است قدری
بی پروا بسکویم سخن آگاه باش مردی وطن اگر چه قسم باشد دلیل دولت است
و شخص بی سلطان اگر چه مستعبر باشد او از هر وقت است بیرون چون حق است
که ایشانند داشته باشد که می سر و بار باشند و گاهی در سرش خدای درختان
مسکن نماید اگر چه را بسکویم نه بال و پرش میکنند و در آبروست که با شرف نمایند
و حتی چه عرض نمودم حال که ما ایرانیان از وجود این ستمت ستمی هستیم پس که
و هستیم که در آن مافا زماست شاه ما چه راست در سایر این برهبران مومانی
با آن برادران ایرانی که در خارجه است کرده اند و اولی ترنی وطن را بیک گویانند
یکدل و یکجفت اول این روزنامه بخاریم ترانه دهمم آواز باشند که میسده
دو جزو یاد شاه مهربان ایران و پاینده با سلطنت قدیم ایران با وجود
خات آغزای اهل ما را چه لرزه است که کرده های است و عزت را کج کرده برفت
مغربین نجاه غایم و فضلات صنایع آنها را از دست طاهر و اطلاق های خود
قصد داریم که ما دست پا نداریم با وجود اینکه از روزنامه هر طرف و از پای
روح افندی قلع بجهت تشکیل گیلانی از تجار و معتبرین خود شهر تبریز
بگوشن امیر سپیس ما راست که خدمت استراحت برادران وطن را بدست
بست قبول نموده و ساختی در آبادی وطن نخلت نماییم و لازم نیست که اول
کار هر نفری هزار تومان بجزایم یکپایه بکمال هر کسب است از یک تومان الی صد هزار
تومان خادق نخواهد داشت و هر کس با اندازه و جوی که داده است بزمیدار

نقل از روزنامه شریفه ناصری
منظومه تبریز

در سنه ۱۸۹۶ تمام آنچه که خط در راه آهن در سیس عالم کار میکردند مقدار
۵۱ هزار کیلومتر بوده است (هر کیلومتر هزار متر است) قطعه اولی که از
کرت خط در راه آهن در بد اولی بنهار سیس در در خطه کرزنه ۸۷۴۳ کیلومتر
راه آهن کار میکند در خطه او پاس ۵۷۳۰ کیلومتر در آستیا ۸۸۳۵ کیلومتر
در آستریا (۲۲۳۷۳) کیلومتر در افسه قه (۱۴۷۹) کیلومتر راه
موجود و حاضر است
در میان مالک فرنگستان اولین دولتی که از جهت راه آهن ازین با شرف است
و با کثرت دانست ملک آلمان بشا ۸۷۳۰ کیلومتر راه دارد و بعد فرانس
۱۴۱ هزار مبر روسیه ۳۹ هزار مبر انگلستان ۳۴ هزار مبر اطریش هر نفری
که ۳۲ هزار کیلومتر راه دارد و او یک که در وینا لوله میسده و ماشینها
راه آهن را حسرت میدهد و بیاید و ماده است بالغ به ۱۳۱۲۱۹

باب الحکومه - که در عهد الامراء العظام آقای نازم دیوان

همسوزگانه دست تعوی مردم از نظم حکمران گونا گشته است. اجتهاد ای حکومت کمال می راد آسایش رعایا کار برده و مسیره امید است که از برکت نیات مقدسه ولی نعمت زاری این ایالت سال مردم بزرگانی آسوده شوند

(بمغنی داد)

وقایع خارجیه و غیره که از حکومت سرکار شیراز بیخبرند و بیخبرند که از برای خرابی مالی بغدادین تمام عراق عرب متاسفانه الحقی این شیراز به میر بکار میر که کسی بخورد مخصوص زور و جبارین در عراق عرب بغیر صاحب استخوان بود و ترقی از برای همیشه دست بر کاری میسند جنگلی بر سر راه شیراز که او غیر از این باشد تا محزون و آرزو شده تا که در وقت ظاهر کرده و انوار است که از این پسوند سپه درون نیاید و جسی ایسکه میده حماره است ولی قسیرین قیاس نیست بیجا کاشف السلفه نیست که از نیشه او بیجا نباشد و ترقی خود که جز در قسطنطنیه می باشد روانه شده اند اینک که در شهر باشد شاید از خوف و مرض طاعون است که در او بمبئی می نشوند یا اگر سبب دیگر از قبیل مراب و غیره است چه می توان بود که جناب صاحب القای شاه و السلطان عزم حرکت از بغداد دارند و توبه سفر را هم دیده بود و در حجت و از اسلامبول در قیام ایشان شده است باز نزع استقلال در اموریت خود مستقیم از محتاج ذوالا بهتاج چنینها و از بخت و بیای دار و در گذشته اند و بهیچ چهار ساعت صرف در قسطنطنیه بوده ولی حال محتاج بسیار در فروردین از برای آبی و کرانی در که در راه با خصوص در وقت رفتن محتاج بهیچت ظلم حله داران داشته ولی چنانچه میگویند از یک عمر دار یکصد و هفتاد و شتر مرد در محکم محترم با حسابا برکت منطبقه منصفه حالات زبیر و اذیت و زیادتی حسله داران و تکالیف در خمانیکه محتاج کشیده اند نوشته بود امید است که در حال حکومت علیه درین امر توبه خصوصی مبذول فرمایند

اسسال از روی قیاس الحاره حرارت و اضلاع بغداد یکصد و پنجاه ریه بود و درین سنه که در کسبتان در مرتبه کرانی شده و مردم بسیار تکلیف دیده اند و در حجت مشکیه

(کاشان)

برجیسکه وقایع خارجیه و غیره که از کاشان اطلاع میدهند و کاشان میگویند کاشان پیش از پیش نای قندی در زیادتی را با اهل شهر بنهاده اند این ایام راه داخل تازه چیده کرده اند هر روز نزع تازه بردی نان و گوشت و غیره که از راه اسباب در اهل پیدا میکنند و بزرگ اشتها هر روز پیشی از حکومت

جسدی یکی صادر کرده خود در خول میگذشتند و مردم از حکومت متشنج میشوند که ... تجارت کاشان کناره مردمان او که در اهل نهیست بیطرف و بیچاره اند بر وجه تجارتش قایع بخار - املی کاشان در خصوص چندین شکایت از اجتهاد ای حکومت میگویند مایل نوشته اند ولی مقام اسف است که از تداوم اجتهاد ای حکومت نیز سده لطف در نیست که با یکدیگر متعجب این گونه تقدیبات شود و از حاشیه نشین های حکومت محسوبان از اهل خود کاشان یعنی از آن عقربها کاشان میباشد ولی تعجب نیست چه این مثل مشهور است که در کاشان قریب بیست و نه این عقربهای بسزیه هم جهان عادت خودی را در وقت ری اهل کاشان بسته آورده اند که نزدیک است بر حکومت بشود چنانچه خیال است که کاشان هم داشته باشند بعضی از قایان خنجره فراموش شده اند که اسباب به نای خواهد شد که با طلب گوش زده انسانی دولت هم شده است از تهیه قیدی حکومت هم هستند و قایع خارجیه و غیره که از کاشان بکار میزنند که هر یک از اجتهاد ای حکومت کرده و میگذشتند اسم در رسم نوشته است ولی با لحاظ چندی که شاید همین عنوان متبذره شده بکارش اجمالی گفتا کردیم از قسطنطنیه معلوم اهل کاشان بیشتر فتنه یافته حکومت نای شرف و الا آقای اقتصاد الدوله که کجوبی مربوط این حکومت اند و کار اسبابهای دراز حکومت کرده اند میباشد و الحقی ایام حکومت ایشان اسمی از قندی و اجمالی رعایا بود و مردم هم همه قسطنطنیه در سرورانی طریقه در عده و مطلب نیست که ایشان جمیع مردم کاشان قسطنطنیه خوب به دست آورده بودند و اتفاقا حکومت کاشان چند روز با اید نظر داشته باشد اولاد و مانیکه اسباب بد نامی و در خول خود و حکام سلف بوده اند از نگاه راه ندیده و بهترین سبیل آن است که از عقربهای کاشان اجتهاد ایست تیره تیره دوم در صد و تریج صنایع در وراج بازار باشد مردم حکمران و کاروانه او را نیک کندم و جوار از خود با خراشیده و طس منگینه از میان - بر و در اند اگر در اهل اصلی حکمی حکم بکام در در منع احتکار و حکام هم میردی کامل تصایبه تمام اهل ایران از ظلم حکمران آسوده خواهند بود و احتکار از روی شرع و نوزاید بر قوت خود سبب است و برای سخت دارد و او را در ایام حکومت جناب صاحب القای اهل کرم آقای قبال الدوله که اینک با ابلات بزرگ کسب انشاء انوار مذکور است نکته در نظر و حق واقع هر حکومت که این نکته است را در نظر او اسباب رفاهیت رعایا خواهد بود

(طهران)

وقایع خارجیه و غیره که از کاشان اطلاع میدهند و کاشان میگویند کاشان پیش از پیش نای قندی در زیادتی را با اهل شهر بنهاده اند این ایام راه داخل تازه چیده کرده اند هر روز نزع تازه بردی نان و گوشت و غیره که از راه اسباب در اهل پیدا میکنند و بزرگ اشتها هر روز پیشی از حکومت

لا شریف برده اند گویا این مسافرت بیست روز طول بکشد خبری که
 اشراف شایع قایم رضا علی اصغر خان صدر اعظم هر روز شرکت در مجلس وزرا
 دربار میفرمایند منظوم است که پس از ورود موکب بایرون باران طلا و نقره
 خلعت صدر اعظمی که تقاضای ایشان از پسرکس موزون تراست
 حرکت فرمایند تمام وزرا و ارباب آرا مان ایشان طهران سروراند و از ارتحال
 پوست هم در نهایت انتظام است و بعضی قوانین جدید هم عقابت جاری
 خواهد کرد و بد که بحال ملک و ملت میخندند و نقد بعضی اوجاعات قائم شده
 اجازت جات با ارمیان زرقه است بحال تا آنقدر که اجازت کشته شود
 اگر پسرکس بهارک زنده و صدر اعظم ایران شود امورات منظم خواهد شد طلب
 بسیار است میشود و زشتی که اخبار جبل المتین آژاد است ملی
 و قیام کارخان آزادی داریم روزنامه یومینه تربیت که چند روزی با تأخیر
 شده بود مجدداً شامت شد اگر ملت ایران بهوش بیاید و همسانان و زبانتان

خود که امیرالجهایم فاروقی نماید و در هیئت معاملات گریست
 کار اینجک سیاست بکشد ترکان در پرده تیبیه آذراک می بینند و ظاهر
 دست از حکومت علی هم برینند از آنکه تیرکها همیشه رفت کردنم المظالم
 درین عمل منجبه بکنگ خواهد شد و اینجک تیرکها سخت خواهد بود دولت علیه
 تا جانی که امکان باشد از حقوق خود در گریست خواهد گذشت
 اخبارات ترکی میگویند دولت علیه بدین درین و بیسبب نقد از حقوق خود
 گذشت امروز دولت علیه در صدد است که حقوق سالها که از آزادی سنی
 از دول ارمیان گرفته است حاصل نماید مثل مصر تونس و غیره چه گونه رسانند
 داد که حقوق او در گریست منایع شود

حواشی ممالک عثمانی ترجمه از اخبارات عربی
 و ترکی حسب نگارش و قانع نگاران جبل المتین

هسنوز در بلاد اسلامیة خصوصاً مصر و اسلام جشن میلاد حضرت قائم المسلمین
 با کمال شکوه میگیرند مولود سرور کائنات از جمله اعیاد است که ملت و دولت
 شرکت دارند آسانه علیه و عمارات مساجد و کویچه و بازار همه چراغان
 شدت و سر توپ شلیک میشود جهارات و کلتی مثل روز عید میرقهای کجا
 بلند میکنند و بسیاری از طرفین که بواسطه قروض جزئیة باجرالم خفیفه قتل
 بدست قیدشان باقیست باقی میبخشد درین روز مبارک اعلی حضرت سلطان
 از حبس بقوت و رحمت خود مبالغه گزافی بذل احسان میفرمایند در اسلامبول
 دولت این جشن را خیلی باشکوه میگیرد و در صدد است اوقات این جشن در تقی
 خواهر ملت اسلامیة در خاک کتک بوصف در نیاید

وقایع کار جبل المتین مسیزید بعضی از تیر فرایان با سیاست اسلام آژاد
 دارند که اسلامبول انجمنی قائم نمایند که موضوع بحث آن در سبب انحصار نظام
 و ملت ترقی بیگانگان و چگونگی اصول ترقی آئینه اسلیان باشد
 باینکه حرف فحاک درین بود بجهت لند رفشه است بارانهای نافع آژاد
 ولی هسنوز اما ز سلطانی از قبیل فند و غیره باطل نمیشود
 از جانب دولت علیه عثمانی حکم میرسد و تأکید اکید شده است که در هر شهر
 نامورین جبهه ای را که دخل میکنند هم رسیده یافته و لایق قابل باشند تا در امور
 الحکومتی و فنی راه نیاید
 یکی از اخبارات ترکی میگوید در این راه اظهار است مینمایند که دولت عثمانی
 سبب عیبت از روی خیالات فاسده مسترکاد استون است و خود را با دولت
 عثمانی قطع کرد و از همگد رشتن این است که نسبت به موته و حکومت علی دولت
 انگلیس در آسیا وارد پایتخت فرار داد و است ملی دولت علیه عثمانی

پیشخوانی رژیم بلکه منافع بخشیده است
 (مسئله تمبرک)

و چنانچه نمون قبلی نوشته بودیم که حضرت مستطاب اشرف اشرف قایم رضا علی
 خان این السلطان صدر اعظم سابق را انگلر افازم بظهران طلب فرموده اند و
 در اقم خسه و آن اعلی حضرت شهریار میهم در باره ایشان نوشته حدت خود را
 هم ظاهر کرده بودیم که مقصود از طلب کردن ایشان همانا عهد و دوستی است
 درینصند و قایم نگار اطلاع میدهم معاذیر ایشان در عدم قبولیت صدرات
 مقبول با راه سلطانی نکردید و آخر مندرجات با وجود مبارک خودیست
 فیه بودند و امید باقی که خیر فرایان ملت دولت و ترقیات ایران و شیبند
 هم برآوردده اداره جبل المتین که دستپا درده و در وی حقیقی شمشیر کتک

این ایام مسئله گریست را با کمال سرگرمی سیسیون با عالی موضوع بحث ازین
 اخبارات ترکی از تصرفات غیر مستحانه امیرالجهایم دول فاروقی گریست
 بر آشفته از من قابلست که عمل گریست بمقام نازک بکشد و آخر الامر بکمال
 قند آری کرد و دولت عثمانی سایست که برده قشون گریست بیغرایه امیر
 البعثی دول ساره مانع اند و دولت عثمانی من باب گریست بشوره
 دولت آلمان مخصوصاً با سفرای فاروقی بحث نماید با عیان گریست بخاطر
 امیرالجهایم فاروقی را من باب حکومت عارضی گریست تسلیم نموده اند مکان

مدارقت این مسرت را فواید عید است و با کمال التماس مسرت ملی خود را
نموده تبریک میگوید

ایضا و قیام کمال المین من بابت تبرات بدیهه مقرر شده که حکومت ملی را
مفوض حضرت مستطاب آقای ناظم الدوله در شده ریاست هیات با آقای مساوی
الملک وزارت عدلیه به آقای نظام الملک رسیده است بعضی تغییرات

هم شده می شود که به ما فراموش

(تمت مکررات خارج)

از قسریات مستر میرین در راه می گذرند ظاهر شده و کسان دو کتین آلیس آلمان
اتحاد شود و درستی مراتب اتفاق پس روی نماید

خسبار ایدس بر کوبه ای نویسه که این اتحاد میانه دو کتین آلمان و آلیس
من بابت معاملات مبراست که از جانب اول فخله تمککات بر داشته شود چرا که
سابق در زمین مگنولد دو کت آلمان بر دو کت آلیس مترض بوده و حالا
سکوت اختیار کرده است

مستزاد و باره تخفیف معارف جنگ و سلمه و قشون از جانب دولت
آلیس کسرتی که در هر ایی بوده با اقیان روس فرستاده

اخبارات مکرراتی و جمله

درین هفته نیزه و بعضی از مجریات هند بارانهای نافع باریده است
در صورتی چنانچه خیلی بموقع باران باریدنی در بعضی از مواقع شکایت از
اسساک باران و از در پورت رویه و از راعت هم خوبست در بعضی مقامات
برخ فحلات بستند که گرانست - مرض طاعون روز بروز در کمال شدت است
و حال آنکه هنوز هر اگر مسرت اندر رحم کند این ایام در مسی که از
مصافات پخته است مرض طاعون چنانچه شد تا در چنانچه در هفته روی آ
رفته روزی پنججا و پنج اتلاف طاعون بشمار آمده و تا بیست و دو مجرت
گذشته تمام اتلاف طاعون سی (۱۹۹۸) رپورت شده است علاوه
برین نیند در اطراف پونه روز بروز مرض طاعون نشه و مرایت میلند
در قالی یکسال گذشته طاعون بوده با آثار عودین مرض ظاهر است که
بسی هم روز بروز فده اموات طاعون میشه چنانچه در مسی ام گتست
گذشته سی و دو بیست و بیست و شش اتلاف طاعون بوده است همان تاریخ
در کراچی یک نفر مبتلی طاعون و یک نفر هم تلف شده است کلام در انداد
بیمه مرض و قیام فرود که در می کنند ولی تغییرات الهی بالای تدبیر است
آنهاست چاره دارنده حکام از بنای جسد ای قوانین را بنوعی منقح نموده

رعایای منجلی بی تا بنده خداوند و معتمد
(کلمت)

هر ایی کلمت کجواله در کمال سلامتی و اقبال است درین هفته نیزه و تبریک بار
نافع باریده است هر سال درین قیدی موسم اراض فخله از قبیل تب و غیره
بیار بود سال کجواله اثری اینج وضع نیست مردم بیخ میاری شکایت از
عده اموات کلمت از جنسها با عطف نسبت پنج سال گذشته کلمت است باره ایی
نافع هم باریده و بیمار داین با ام افسه موسم بارانست در صورتی کمال شکایت از
اسساک باران نیست امید است حال هم طریق و لوله و سول یا اراض طاعون
چنانچه که از آن نوشته بازم خیال باران است که در کلمت طاعون بنوده
نیست بلکه تطفیفیه محبت خطا قدم این کاره و ابر احیایه بی تمامست که فشر
کلمت فخرس نازد و تمام بسیار ایمون در یکی از محلات کلمت گنایه و کجواله
نیم سبک از اینکه در کلمت مرض طاعون را تسلیم نموده و سبک ساریت طاعون شده
عده اموات اش قریب به هزار رسیده و عده اموات طاعون کلمت درین جنسها
بالع از دو بیست نفر شده است سلسلت که اگر در کلمت مرض طاعون بود با این
که بالغ از بیست و پنجاه هزار فخرس بشه و شهر در نهایت گشت و وفالنت در بند
عده اتلافات طاعون از سی میل هزار گذشته بود کلمت در دو شهر شان بر نیست که
طاعون در کلمت نیست ولی کلمت تطفیفیه تر است که طاعون است الهی است در کلمت
و جسد ای قانون هم که در آ از پنجه بازی اعلان داده است که بدون تعلیق
نامه و اکثر بزرگی با فخله و اکثر تطفیفیه مدی دون نیست اموات خود را در فخر
و علاوه در راعه و فخر و سافتن قریب تمامه مخصوصی را از ده دارد و ابر انجاء عانه
لست ازین کلام میده اظهار فخرت از نه چنانچه در اوتت حال علمی شده شده
قرب چهار صد نفر را سواد عماید جمعیت کرده اظهار تحالف از اجرای فخر
جدید نموده اند از روی ذمه بیارده نصالی این قانون عاید مسلمانان است
با انوع ادب از کورنتت عالی خواستگار مرض این قانون بیست و هشتم در متن
علاوه در موضوع هم بحث شده است که حکم تطفیفیه را از ده دارد که در اجرای کلمت
گذشته کت میان کجابد و بر عدد و یکجا زمان بیست و سه و مال کجابد
در فخرت خود تصور کرده اند ولی الواقع از نظرم میسج حق تعالی من است
بوسیان اگر چه کجالبها آداب و بنده اند و در هر عمل کلمت خوش را میسجد
پیش رفت معاصه خود کرده اند و درین سخن هم سخت کلامی نموده
دل مطلب آنها بنی است اگر چه کاشان نافی باشد

جلال الدین